



مرکز پژوهشهای اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز

نقدی بر لایحه بودجه سالانه ۱۴۰۳

گزارش (شماره ۸)

دی ماه ۱۴۰۲

پیشگفتار:

در بسیاری از کشورها از سیاست کسری بودجه به عنوان یکی از ابزارهای سیاست مالی استفاده می‌شود. استفاده از سیاست کسری برای رونق دادن وضعیت اقتصادی کشور توصیه شده است و از این رو دولت‌ها به عنوان یک عامل تعیین کننده در اقتصاد کشور مطرح شدند و دستیابی به نتایج مثبت در این خصوص موجب گردید تا آنها برای هدایت امور اقتصادی کشور، محدوده‌ی فعالیت خود را گسترش دهند. مشکل اصلی سیاست کسری بودجه آن است که اگر با شیوه‌های اصولی تامین نشود، کسری بودجه منجر به تورم خواهد شد. از سوی دیگر، بودجه ریزی باید مبتنی بر اساس ساختار یک اقتصاد باشد تا بتواند مشکلات اقتصادی کشور را حل نماید. با اینکه کسری بودجه در ایران یک عامل تورم زا در اقتصاد است؛ با این حال، تجربه نشان می‌دهد که بر خلاف تصور، مازاد بودجه در کشور نیز تورم زا بوده و در راستای تقویت رشد اقتصادی نبوده است. آنچه مسلم است بودجه ریزی کلان کشور در راستای رشد و توسعه اقتصادی نبوده است و به همین دلیل، لازم است ایرادات بودجه بررسی شده و با یاری رساندن به مجلس شورای اسلامی و سارمان برنامه بودجه یک بودجه استاندارد که بتواند منجر به توسعه اقتصادی کشور شود تدوین گردد.

با توجه به رد کلیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور توسط مجلس شورای اسلامی، به نظر می‌رسد نمایندگان مجلس باید تمهیداتی ببیندند که قانون بودجه سال ۱۴۰۳ برنامه یک سال از ۵ سال دوره برنامه هفتم توسعه باشد به همین دلیل نه فقط بودجه سال ۱۴۰۳ باید هم راستا با برنامه هفتم توسعه باشد بلکه باید یک پنجم آن در اولین سال برنامه تحقق یابد. اگر به اهداف کمی برنامه هفتم و مواد و تبصره‌های آن توجه شود، اهداف زیر مهم‌ترین و برجسته‌ترین اهداف برنامه است.

رشد تولید ناخالص داخلی ۸ درصد در سال

رشد بهره‌وری کل عوامل تولید ۲/۸ درصد (سهم ۳۵ درصد)

خالص رشد شاغلان سالانه ۱ میلیون نفر

رشد صادرات نفتی، ۱۲ درصد، صادرات غیر نفتی، ۲۳ درصد در سال

کاهش رشد نقدینگی به ۱۳/۸ درصد در پایان برنامه و کاهش نرخ تورم به ۹/۵ درصد در پایان برنامه

تعداد گردشگران ورودی در پایان برنامه ۱۵ میلیون نفر

در ماده ۵ این برنامه تحت عنوان "مردمی سازی اقتصاد" مقرر شده است سهام شرکت‌های دولتی واگذار شود و در ماده ۱۰۱ تحت عنوان "دیپلماسی اقتصادی" به توسعه روابط خارجی با کشورهای مختلف اشاره شده است.

به نظر می‌رسد اگر مجلس شورای اسلامی به دنبال تحقق اهداف برنامه هفتم توسعه است باید بودجه سال ۱۴۰۳ را از یک بودجه حسابداری به یک بودجه اقتصادی (سند حکمرانی) تبدیل کند و همه اجزای آن را همسو با برنامه هفتم به تصویب برساند.

اگر محور اساسی بودجه سال ۱۴۰۳ افزایش تولید و بهره‌وری باشد در این صورت باید بستر لازم برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی فراهم شود و این در صورتی مقدور خواهد بود جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی عادی سازی شود و مقررات حاکم بر داد و ستد جهانی از جمله FATF رعایت شود چرا که ذکر شدن نام ایران در کنار دو کشور کره شمالی و میانمار در لیست سیاه در شأن جمهوری اسلامی نیست. گزارش حاضر به نقد بودجه سالانه پرداخته و نکات مختصری از عدم انطباق بودجه با برنامه هفتم را ترسیم می‌نماید.

رئیس شورای راهبردی مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی تبریز

سید باقر شریف زاده

تبصره ۲؛ حمایت از اشتغال

الف) منابع مالی ۱:

بودجه ریزی تجویز نسخه‌ی درمانی برای یک سال آتی اقتصاد کلان کشور است. بر این اساس، بودجه ریزی باید بر اساس شرایط فعلی اقتصاد کلان کشور در نظر گرفته شده و بر حل مشکلات و تقویت مزیت‌ها برای سال آینده برنامه ریزی شود. آن چیزی که مبرهن است، آن است که وضعیت فعلی اقتصاد شرایط رکود تورمی را سپری می‌کند و برنامه ریزی باید به صورتی باشد که عرضه کل اقتصاد را تقویت نماید. به دلیل وضعیت رکودی کشور، اعمال سیاست پولی انبساطی سبب ایجاد تله نقدینگی شده و نه تنها منجر به تقویت عرضه نمی‌شود بلکه قسمت عرضه را به سبب ایجاد بی ثباتی ناشی از تورم مختل می‌نماید. به عبارت بهتر، سیاستگذار دچار خطای سیاستگذاری شده و بر این تصور که سیاست پولی انبساطی منجر به تولید خواهد شد اقدام به اعطای تسهیلات ارزان می‌نماید. این در حالی است که بستر سفته بازی در کشور فعال بوده و تسهیلات ارزان در بخش سفته بازانه هدایت شده و تورم در کشور را تقویت خواهد کرد.

در تبصره ۲ بند الف (تامین مالی) اشاره شده است ۳۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ میلیارد ریال به کسب و کارهای خرد اعطا شود. معادل ارزی این رقم حدوداً ۱ میلیارد و ۸۷ میلیون دلار است. سوال این است که آیا چنین رقمی در اختیار تولیدکنندگان قرار خواهد گرفت؟ مسلم است که چنین تبصره‌ای سبب می‌شود تا عده‌ای با استفاده از رانت و روابط به این اعتبارات دسترسی داشته باشند و با گرفتن اعتبارات در فعالیتهای نامولد و سفته بازانه حضور داشته باشند. مهمترین راهکار آن است که اتاق‌های بازرگانی و فعالین شناسنامه دار که تشکیلات تولیدی وسیع داشته و با مشکلات تامین اعتبار روبرو هستند از این مزیت برخوردار شوند. گرچه نیت اصلی دولت از اجرای این کار محرومیت زدایی در بخش‌های محروم و روستایی است ولی باید دقت شود که عمده فعالیت روستاییان کشاورزی است و تورم موجود در اقتصاد بیشترین ضربه را به این قشر وارد می‌کند. اگر تخصیص اعتبار به نحوی باشد که به سمت تولید هدایت شود ضمن افزایش تولید حتماً با مهار تورم همراه خواهد بود (گرچه در وضعیت تله نقدینگی احتمال اصابت کردن پول به تولید اندک است و بهتر است پول پاشی در اقتصاد صورت نگیرد).

شایان ذکر است که اجرای چنین دستورالعمل‌هایی معمولاً با احتمال فساد همراه است و از آنجایی که وجود فساد مغایر با اهداف متعالی جمهوری اسلامی است، لازم است از طریق اتاق‌های بازرگانی که مسئولیت تولید و تجارت کشور را برعهده دارند انجام پذیرد.

الف ۳:

یکی از معضلات اصلی اقتصاد ایران پول پاشی و رانت پاشی توسط سیستم بانکی ناتراز است. وقتی بانکی با نرخ قرض الحسنه اقدام به وام دهی می‌نماید، دریافت کننده سپرده می‌تواند بدون انجام فعالیت اقتصادی و با ریسک صفر در سایر بانک‌ها سپرده گذاری نموده و ناترازی بانکی را تشدید نماید. اگر دولت بخواهد نظارت داشته باشد که آیا وام تخصیص داده شده در فعالیتهای مولد حضور دارد یا نه باید نظارات خود را افزایش دهد که چنین عملی هزینه‌های دولت را افزایش خواهد داد که در چنین وضعیتی از اقتصاد عملاً به صرفه نمی‌باشد.

در بخش حمایت از اشتغال یک میلیون میلیارد ریال تسهیلات قرض الحسنه از محل منابع بانکی در نظر گرفته شده است. معادل دلاری این تسهیلات رقمی معادل ۳,۵ میلیارد دلار است. چنین رقمی به تنهایی برای از بین بردن ناترازی و سرمایه گذاری در بخش انرژی کشور و حل کردن معضل قطعی برق و گاز در تابستان و زمستان بسیار حیاتی است. در ناترازی انرژی صنعت کشور قربانی قطعی برق و گاز شده و با وارد ساختن ضربه مهلک به بدنه تولید کشور، اشتغال کاهش می‌یابد. رشد اقتصادی و به طبع آن افزایش

اشتغال در کشور نیازمند فراهم ساختن بستر لجستیکی و انرژی و ثبات و ... است. فرآیند سرمایه گذاری بلند مدت در آن تامین شود. انحراف در ایجاد منابع کشور و ایجاد رانت و فساد نه تنها تولید را از بین برده است بلکه تورم‌های شدید را بر کشور تحمیل می‌کند.

توصیه سیاستی آن است که این بند حذف شده و تمامی تسهیلات بانکی طبق یک نرخ وام بانکی اعطا و دریافت شود. از سوی دیگر، دریافت و پرداخت تسهیلات تولید نباید بر اساس وثیقه و روابط اشخاص با مدیران بانکی صورت پذیرد. مهمترین معیار اعطای اعتبار به تولیدکنندگان و کارآفرینان، تشکیلات تولیدی است و لازم است این اصل مورد توجه قرار گیرد (تورم، مهمترین متغیر در ایجاد ریسک سیستماتیک در کشور است و تا مادامی که تورم در کشور حل نشده باشد تمامی نাত্রازی‌های کشور به قوت خود باقی مانده و هر روز تشدید خواهد شد)

ب- مصارف و سازو کار اجرایی

ب-۱): تولیدکنندگان و کارآفرینان کشور در بخش خصوصی فعال هستند و لازمه تدوین نقشه راه اشتغال باید توسط بخش خصوصی نگارش شود. سازمان‌های دولتی می‌توانند میزان استخدام و افزایش بدنه دولت که به اندازه کافی بزرگ است را تعیین تکلیف نمایند و این سازمان‌های دولتی هیچ تخصصی در بحث تولید و اشتغال ندارند.

***** در این راستا، توصیه بر این است که تدوین نقشه راه اشتغال و تولید با همکاری سازمان برنامه و بودجه، وزارت صمت، کار و اتاق بازرگانی طراحی و تدوین شود.**

تبصره ۳- شفافیت و انضباط بودجه‌ای

الف-۱): شرط لازم برای عدم وجود کسری بودجه افزایش قابل توجه درآمد دولت و یا کنترل هزینه‌های دولت است. در حالت کلی دولت از دو طریق می‌تواند هزینه‌های خود را پوشش دهد. از طریق افزایش درآمدهای ارزی و از طریق افزایش درآمدهای مالیاتی. افزایش درآمدهای ارزی: دولت به دلیل تحریم‌های اقتصادی کاهش محسوسی در فروش و صادرات نفت و گاز دارد و عملاً نمی‌توان از این طریق امیدوار به افزایش درآمدهای ارزی باشد (گرچه در صورت افزایش درآمدهای ارزی، اختصاص آن به هزینه‌های جاری عملی کاملاً اشتباه است و باید در تقویت زیر ساخت‌های اقتصادی کشور هزینه شود).

افزایش درآمدهای مالیاتی: اصولاً هدف از گرفتن مالیات آن است که کالاهای عمومی که هزینه ساخت زیادی دارد ولی برای توسعه کشور مهم است تامین شود. متأسفانه در کشور ایران درآمدهای مالیاتی صرف هزینه‌های جاری کشور و مخصوصاً پرداخت حقوق می‌شود. چرا یک تولید کننده، کشاورز، کارگر، و کلیه کسانی که در کشور ارزش افزوده ایجاد می‌کنند، هزینه عدم مدیریت صحیح سازمان‌های ضرر ده را بدهند. این بند از بودجه؛ " تامین و پرداخت حقوق و مزایای کارکنان از ردیف‌های هزینه به هر نحو مجاز است " باید اصلاح شده و نوشته که در صورت تحقق درآمد دولت از طریق بهره‌وری سازمان‌های دولتی قابل پرداخت است.

مالیات

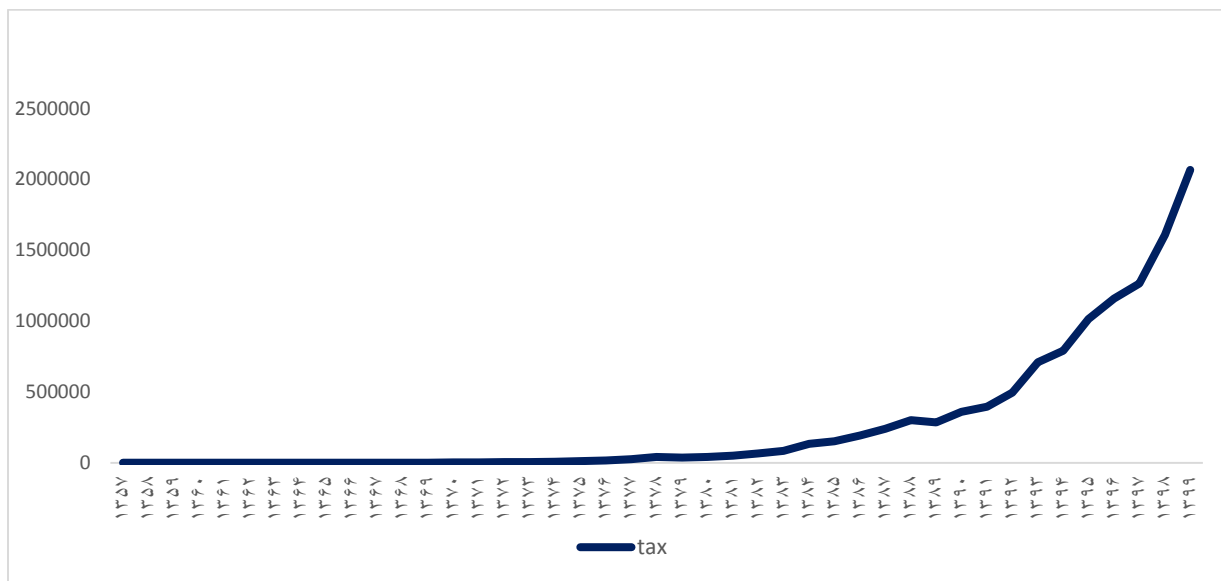
مالیات یکی از مهمترین منابع درآمدی دولت محسوب می‌شود که نقش پر رنگی در تراز بودجه دولت و ایجاد یک اقتصاد با ثبات دارد. درآمدهای مالیاتی یکی از متغیرهای اثرگذار مهم بر رشد اقتصادی است. در مقابل، جز متغیرهایی است که از رشد اقتصادی و



مرکز پژوهشی و تحقیقاتی وزارت بازرگانی و صنایع

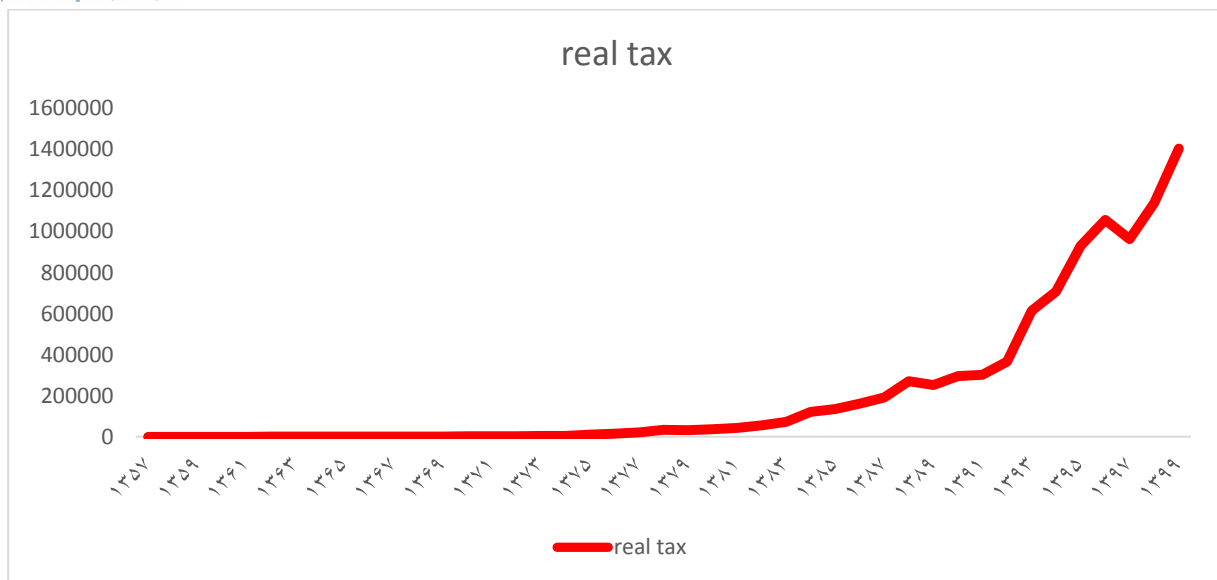
نقد لایحه بودجه سالانه ۱۴۰۳

میزان تولید کشور اثر می‌پذیرد. قبل از پرداختن به موضوع مالیات و رشد اقتصادی، ابتدا به بررسی روند درآمد مالیاتی در ایران پرداخته می‌شود. نمودار (۱) نشان می‌دهد که در حالت کلی درآمد مالیاتی روند رو به رشدی را تجربه کرده است. مطابق نمودار روند رو به رشد درآمد مالیاتی از دهه ۱۳۸۰ روند صعودی داشته است، با این حال نقطه عطف در افزایش درآمدهای مالیاتی، سال ۱۳۹۷ است.



نمودار (۱): روند درآمد مالیاتی (اسمی) در ایران

مهمترین دلیل افزایش درآمد مالیاتی بعد از سال ۱۳۹۷، تورم است. در این سال میزان تورم افزایش شدیدی داشته است و به همین دلیل نیز میزان درآمد مالیاتی افزایش داشته است. یکی از نکات برجسته در عدم نگارش صحیح بودجه سال ۱۴۰۳ همین دلیل است. طبق ادعای وزارت اقتصاد و سازمان برنامه بودجه، تورم سبب می‌شود تا تولیدکنندگان با افزایش سود مواجه شده و به همین دلیل لازم است که مالیات آن را بپردازند. این در حالی است که چنین رویکردی مغایر با واقعیت‌های اقتصادی حاکم بر کشور بوده و عامل مخرب در تولید و رشد اقتصادی کشور است. با توجه به نکته اشاره شده برای تحلیل صحیح از درآمد مالیاتی لازم است مقدار تورم موجود در اقتصاد از آن کم شود. نمودار (۲) درآمد مالیاتی حقیقی را نشان می‌دهد.



نمودار (۲): درآمد مالیاتی حقیقی در ایران

با توجه به نمودار (۲) ملاحظه می‌شود که درآمد مالیاتی حقیقی در برخی سال‌ها کاهش داشته است و مهمترین سالی که این اتفاق افتاده است مربوط به سال ۱۳۹۷ است. بنابراین، در برخی سال‌ها مقدار قابل توجهی از درآمد مالیاتی دریافت شده توسط دولت از تورم بوده است. به عبارت بهتر، دولت از تورمی که خود به وجود آورده است مالیات دریافت می‌کند.

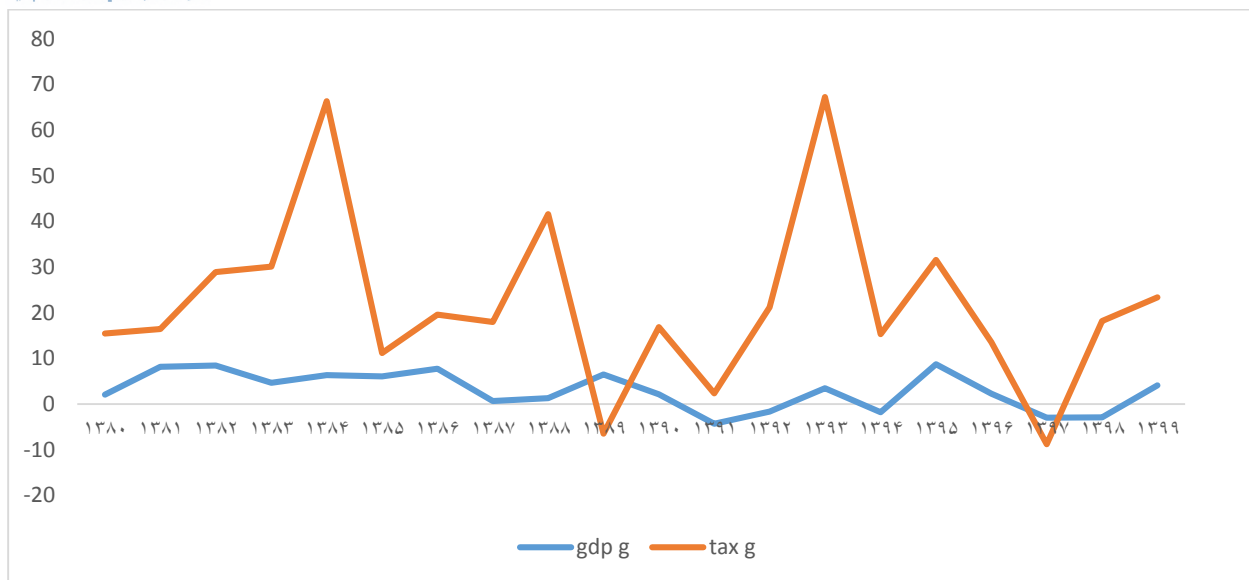
تاثیر رشد اقتصادی بر رشد درآمد مالیاتی

در حالت کلی درآمدهای مالیاتی تابعی از درآمد ملی (تولید ناخالص داخلی) است. به عبارت بهتر، برای افزایش درآمدهای مالیاتی باید بستر تولید در یک کشور فراهم شود. روند رشد درآمد مالیاتی در ایران نشان از آن دارد که با افزایش رشد اقتصادی در ایران، درآمد مالیاتی نیز افزایش یافته است و با کاهش رشد اقتصادی نیز، درآمد مالیاتی کاهش یافته است.

بررسی روند رشد اقتصادی و رشد درآمد مالیاتی در ایران حاکی از آن است که در مواقعی که رشد اقتصادی افزایش یافته است، رشد درآمدهای مالیاتی نیز بالا بوده است. طبق نمودار تمامی روندها مشابه هم بوده و حاکی از ارتباط مستقیم رشد اقتصادی و درآمد مالیاتی است. در سال ۱۳۹۱ و با شروع تحریم و رکود اقتصادی سال ۱۳۹۱، درآمد مالیاتی به شدت کاهش یافته است. در سال ۱۳۹۳ و با اوج گرفتن رشد اقتصادی مجدداً درآمد مالیاتی افزایش یافته است. مابقی سال‌ها نیز روند همسو و از رشد اقتصادی به درآمد مالیاتی را به تصویر می‌کشد. شاید به نظر برسد که افزایش درآمد مالیاتی باعث افزایش رشد اقتصادی شده است ولی مرور وقایع اقتصاد ایران اثر گذاری رشد اقتصادی بر درآمد مالیاتی را نشان می‌دهد.

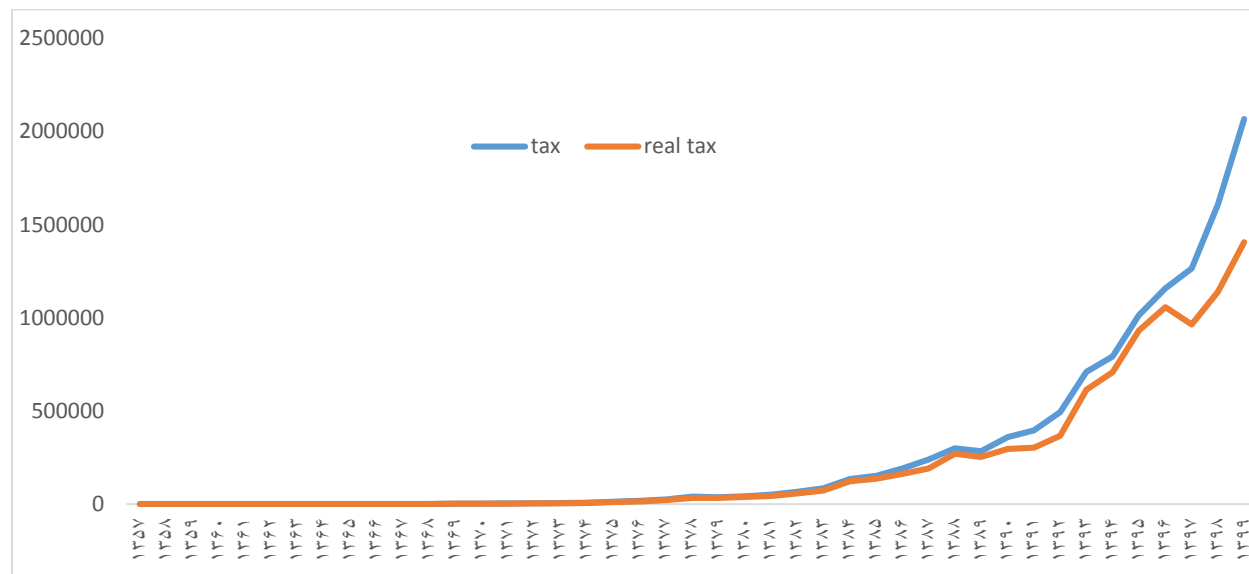
اقتصاد ایران یک اقتصاد وابسته به تکنولوژی خارجی است و عمده اقتصاد ایران بصورت سنتی و با تکنولوژی های عقب مانده اداره می‌شود. زمانی که کشور توانسته است با جهان ارتباط داشته باشد و تحریم‌ها را مرتفع نماید؛ تکنولوژی وارد کشور شده و رشد اقتصادی افزایش یافته است. رشد اقتصادی مثبت سال ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ به دلیل عدم وجود سایه تحریم بر اقتصاد ایران است و دقیقاً در این سال‌ها میزان درآمد مالیاتی افزایش یافته است.

نقد لایحه بودجه سالانه ۱۴۰۳



نمودار (۳): روند رشد اقتصادی و رشد درآمد مالیاتی در ایران

در مقابل اثرات مثبت تولید ناخالص داخلی بر درآمد مالیاتی، افزایش مالیات گیری می تواند اثرات معکوس بر رشد اقتصادی و تولید داشته باشد. دولت به جای آنکه از تولیدات واقعی کارآفرینان مالیات دریافت نماید، از تورمی که خود آن را به وجود آورده است مالیات دریافت می کند. این عمل سبب تحمیل هزینه مضاعف بر تولید کنندگان می شود.



نمودار (۴): تفاوت درآمد مالیات اسمی و حقیقی

نمودار نشان می دهد که در سال ۱۳۹۹ میزان قابل توجه ۶۶۳ هزار میلیارد ریال به دلیل افزایش تورم، مالیات دریافت شده است. این رقم در سال ۱۳۹۷، ۹۶۴ هزار میلیارد ریال بوده است و نشان می دهد که دولت مالیات اضافی بر تولید کننده و کارآفرینان اعمال می نماید و به همین دلیل مالیات گیری می تواند تاثیر منفی بر تولید داشته باشد.

جدول (۱): تاثیر مالیات تورمی بر رشد اقتصادی

سال	رشد مالیات تورمی	رشد اقتصادی	سال	رشد مالیات تورمی	رشد اقتصادی
۱۳۵۹	۷۱/۸۵۷۷۵۳۸۶	-۲۳.۲۴۴۱	۱۳۷۹	-۳۹/۲۴۹۶۳۹۰۴	۵.۶۷۳۲۶۸
۱۳۶۰	۵۸/۸۳۰۵۲۲۲۱	-۴.۹۶۸۲۳	۱۳۸۰	۴/۴۵۱۲۵۶۷۴۸	۲۰.۵۱۹۸
۱۳۶۱	-۳/۸۸۳۵۱۳۰۷۶	۲۲.۷۵۵۲۱	۱۳۸۱	۶۱/۴۱۰۶۶۸۰۶	۸.۱۲۴۱۰۶
۱۳۶۲	۳/۸۴۴۳۴۶۴۶	۹.۷۰	۱۳۸۲	۲۷/۲۷۹۱۱۵۲۹	۸.۴۱۶۶۴۸
۱۳۶۳	-۱۷/۵۵۳۳۴۵۳۴	-۷.۵۶۶۷۷	۱۳۸۳	۲۶/۷۹۵۰۸۲۹۷	۴.۶۳۷۳۲۶
۱۳۶۴	-۲۱/۱۸۸۹۶۶۲۳	۱.۷۹۱۱۵۳	۱۳۸۴	۱۳/۸۱۰۹۵۶۳۷	۶.۳۱۷۱۴
۱۳۶۵	۱۹۴/۲۱۶۵۵۶۹	-۹.۷۷۲۶۱	۱۳۸۵	۲۷/۱۸۸۷۵۴۷	۶.۰۶۸۸۶۱
۱۳۶۶	۱۳/۸۳۵۴۶۱۷۳	۰.۲۰۷۱۸۳	۱۳۸۶	۸۴/۸۷۲۹۵۴۱۵	۷.۷۴۳۷۹۴
۱۳۶۷	-۱/۰۲۳۶۴۷۹۴۶	-۵.۲۸۱۹۷	۱۳۸۷	۶۲/۹۰۳۶۰۹۹۷	۰.۶۴۱۷۳۳
۱۳۶۸	-۲۰/۴۰۵۷۳۶۵۶	۵.۸۷۳۱۵۹	۱۳۸۸	-۳۹/۷۷۵۰۴۱۶۵	۱.۲۶۶۹۳۸
۱۳۶۹	-۲۰/۵۰۱۰۰۸۲۶	۱۴۰.۴۴۷۸	۱۳۸۹	۷/۳۳۰۷۵۰۵۸۲	۶.۴۸۰۸۵۸
۱۳۷۰	۲۳۸/۸۴۷۷۶۴۳	۱۲.۲۹۳۳۷	۱۳۹۰	۱۰۲/۶۳۸۴۸۷۱	۲.۱۴۵۵۲۸
۱۳۷۱	۵۶/۱۵۴۲۷۹۲۴	۳۰.۶۴۴۱۴	۱۳۹۱	۴۵/۲۰۰۱۸۳۶۳	-۴.۲۹۹۱۷
۱۳۷۲	۲/۱۸۹۱۰۱۸۸۹	۱.۳۵۵۶۴۶	۱۳۹۲	۳۷/۸۶۰۱۹۲۳۶	-۱.۶۴۷۵
۱۳۷۳	۸۸/۹۰۹۱۸۰۵۳	-۰.۹۲۱۳۹	۱۳۹۳	-۲۴/۷۸۵۰۷۴۸۶	۳.۴۶۰۲۸۹
۱۳۷۴	۶۹/۱۴۹۳۹۳۸۳	۲.۶۸۴۷۰۳	۱۳۹۴	-۱۲/۰۶۳۴۴۲۰۱	-۱.۸۰۰۲۸
۱۳۷۵	-۲/۱۸۵۹۰۱۵	۵.۳۹۱۰۲۷	۱۳۹۵	-۰/۵۱۱۳۱۹۴۴۴	۸.۷۱۹۱۲۵
۱۳۷۶	۸/۱۵۳۱۱۸۳۰۱	۰.۸۲۶۸۰۶	۱۳۹۶	۲۱/۱۰۲۲۷۷۴۳	۲.۲۷۸۷۹۹
۱۳۷۷	۴۹/۰۷۱۳۷۰۲۱	۲.۱۹۶۶۹۶	۱۳۹۷	۱۹۶/۳۲۹۵۹۸	-۲.۹۸۱۲۹
۱۳۷۸	۷۶/۷۱۸۳۷۰۹۹	۱.۶۹۷۶۵۲	۱۳۹۸	۵۶/۰۹۳۰۴۵۷۸	-۲.۹۴۹۰۴
۱۳۷۹	-۳۹/۲۴۹۶۳۹۰۴	۵.۶۷۳۲۶۸	۱۳۹۹	۴۱/۰۷۵۸۶۱۳	۴.۰۷۳۷۲۵

طبق جدول (۱) در زمان‌هایی که رشد درآمد تورمی مالیات به شدت بالا بوده است، رشد اقتصادی منفی شده و به شدت کاهش یافته است و در مقابل در بازه‌هایی که رشد مالیات تورمی بسیار اندک (چه منفی و چه مثبت) بوده است، بالاترین رشد اقتصادی در کشور حاکم شده است. با دقت در آمار، ارتباط پیچیده مابین تورم مالیاتی و رشد اقتصادی مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد حدی از تورم مالیاتی وجود دارد که سبب می‌شود تا رشد اقتصادی حداکثر شده و کمتر و بیشتر از آن نرخ رشد اقتصادی کاهش می‌یابد (منحنی لافر مانند در ایران قابل مشاهده است).

تحلیل بودجه سال ۱۴۰۳:

جدول (۲): ارقام مصوب در لایحه بودجه ۱۴۰۳

هزار میلیارد تومان	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳
مالیات اشخاص حقوقی	۱۱۶	۱۹۰	۲۹۳	۴۵۱

نقد لایحه بودجه سالانه ۱۴۰۳

مالیات بر درآمدها	۶۰	۸۵	۱۲۹	۱۵۲
مالیات بر ثروت	۱۴	۱۹	۳۳	۴۹
مجموع مالیات های مستقیم	۱۹۰	۲۹۴	۴۵۵	۶۵۲
مالیات بر کالا و خدمات	۱۱۶	۱۷۸	۲۷۳	۴۷۰
مجموع مالیات اسمی	۳۰۵	۴۷۲	۷۲۸	۱۱۲۲
مالیات حقیقی	۲۰۹	۳۲۳	۴۹۵	۹۰۰
مالیات اسمی به تولید ناخالص داخلی	۴.۵	۶.۷۲	۱۰	۱۴
مالیات حقیقی به تولید ناخالص داخلی	۳	۵/۴	۷/۶	۱۱

در سال ۱۴۰۰ مقداری در حدود ۳۰۵ هزار میلیارد تومان اخذ شده است. در سال ۱۴۰۰ طبق گزارش بانک مرکزی نرخ تورم ۴۶٫۲ درصد بوده است. بر این اساس مقدار درآمد حقیقی مالیات دریافت شده مقداری در حدود ۲۰۹ هزار میلیارد تومان بوده است. از سوی دیگر مقدار تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) ۶۶۵۳/۴۲۵ همت بوده است. نسبت مالیات حقیقی به تولید ناخالص داخلی ۳٫۱٪ بوده است.

در سال ۱۴۰۱ مقدار ۴۷۲ همت مالیات اخذ شده است. در این سال مقدار تورم ۴۶٫۵ بوده است. بنابراین مقدار درآمد مالیات حقیقی اخذ شده، ۳۲۳ هزار میلیارد تومان بوده است در این سال مقدار تولید ناخالص داخلی برابر با ۷۰۲۳ همت بوده است. بنابراین نسبت مالیات حقیقی به تولید ۵٫۴ بوده است.

اگر رشد اقتصادی سال ۱۴۰۲ در حالت ایده آل ۴ درصد در نظر گرفته شود، تولید ناخالص داخلی آن برابر با ۷۲۸۰ همت خواهد بود. از سوی دیگر، مقدار تورم در سال ۱۴۰۲ برابر با ۴۷٪ بوده است. این میزان از تورم نشان می دهد که در سال ۱۴۰۲ درآمد مالیاتی حقیقی ۴۹۵ همت خواهد بود. نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی برابر با ۳٫۱ درصد است.

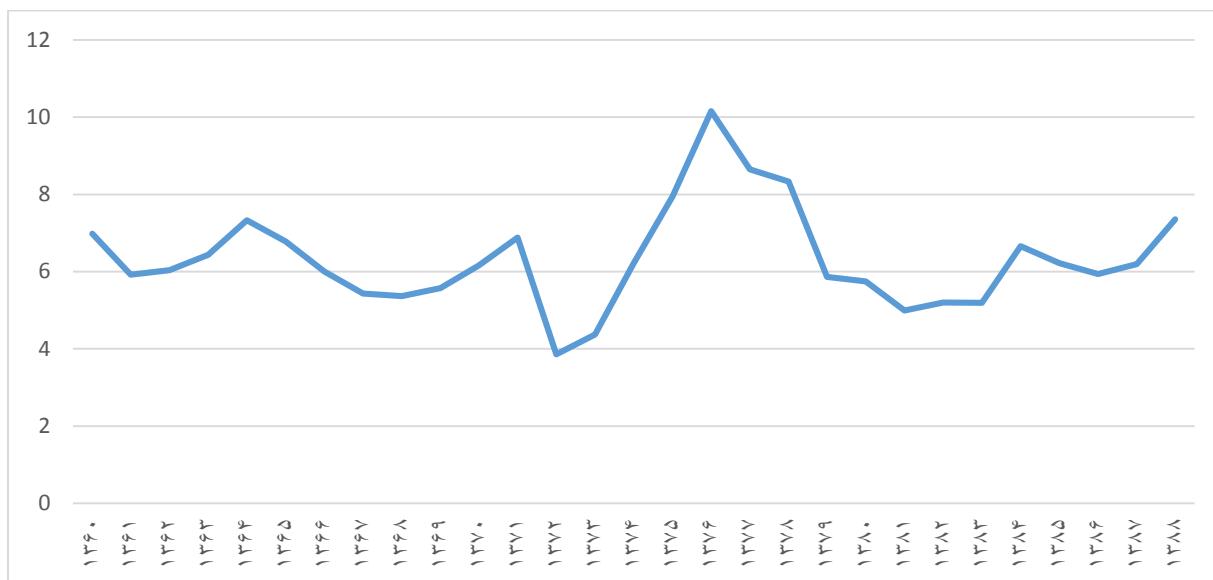
طبق پیش بینی صندوق بین الملل مقدار تورم در سال ۱۴۰۳، برابر با ۳۲٫۵ درصد خواهد بود. با این حال اگر مقدار رشد نقدینگی امسال ملاک پیش بینی تورم قرار بگیرد، حداقل تورم ایران ۲۵ درصد خواهد بود. بنابراین، درآمد مالیاتی حقیقی (در صورت تحقق ۱۱۲۲) ۹۰۰ همت خواهد بود. اگر رشد ۸ درصدی در اقتصاد محقق شود، تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۴۰۳ (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) برابر با ۷۸۶۲ همت خواهد بود. در خوشبینانه ترین حالت ممکن رشد اقتصادی ۳ درصد خواهد بود. مقایسه این دو آمار نشان می دهد که نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی حدود ۱۱ درصد خواهد بود. سهم مالیاتی اسمی از تولید ناخالص داخلی ۱۴ درصد خواهد بود

در دومین سناریو اگر رشد اقتصادی ۳ درصد در نظر گرفته شود؛ مقدار تولید ناخالص داخلی برابر با ۷۴۹۸ همت خواهد بود. بنابراین نسبت مالیاتی حقیقی به تولید ناخالص داخلی رقمی در حدود ۱۲ درصد خواهد بود. نسبت کل مالیاتی به تولید ناخالص داخلی ۱۵ درصد خواهد بود.

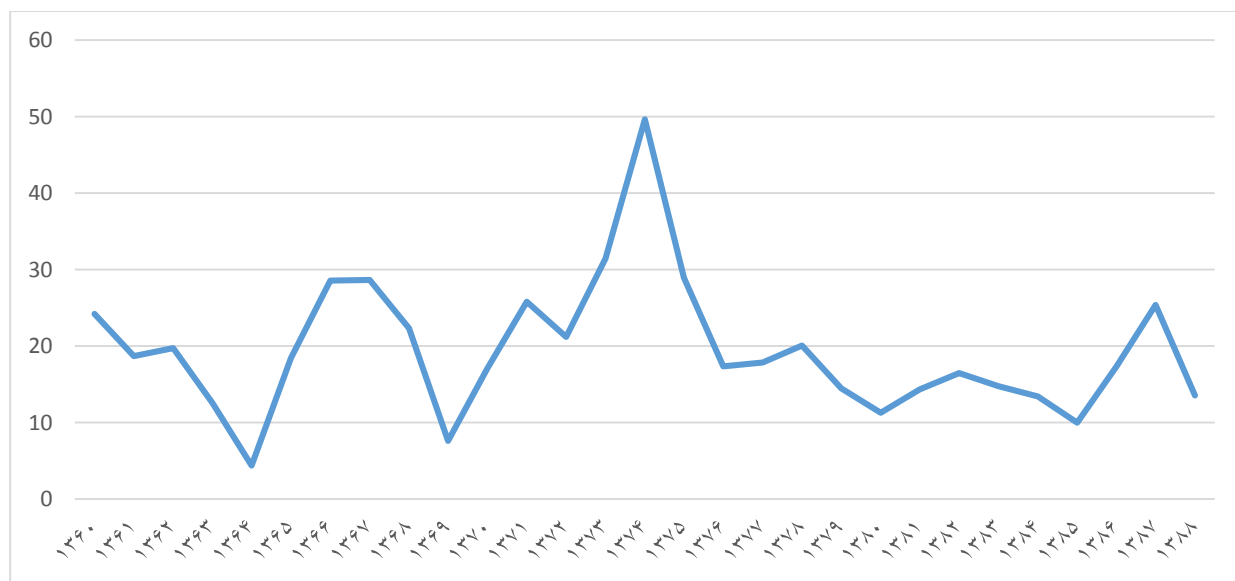
مقایسه این آمارها نشان از آن دارد که نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در سه سال اخیر افزایش یافته است. در این افزایش نکات قابل توجهی نهفته است که اشاره می شود. ملاحظه می شود هدفگذاری مالیات در سال ۱۴۰۳ دو برابر کردن نسبت درآمد مالیاتی نسبت به سال ۱۴۰۲ است. سازمان برنامه و بودجه اگر نتواند از مودیان جدید مالیات دریافت نماید و به نسبت سال ۱۴۰۲ مالیات (۴٫۵ درصد) دریافت کند؛ مقداری در حدود ۷۴۹ همت عایدی خواهد داشت (حتی با محاسبه تورم) و بنابراین مقداری در حدود ۳۷۳ همت کسری در دریافت مالیات

نقد لایحه بودجه سالانه ۱۴۰۳

خواهد داشت. بنابراین به احتمال زیاد فشار اصلی بر بخش شفاف اقتصاد خواهد بود و با وجود آوردن تورم، مالیات تورمی از تولید کنندگان دریافت خواهد شد. مهمترین مسأله‌ای که سبب می‌شود تا فرضیه عدم دریافت مالیات از تمامی بخش‌های اقتصادی مطرح شود، وجود تورم بالا در اقتصاد است. به عبارت بهتر، تورم در کشور سبب شده است تا اقتصاد زیر زمینی در کشور حاکم شود. روند نسبت مالیاتی به تولید ناخالص داخلی حاکی از آن است که بهترین دوران مالیات گیری در سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ رخ داده است و در این سال‌ها دو اتفاق مهم رخ داده است و سبب شده است تا نسبت درآمدهای مالیاتی افزایش یابد.



نمودار(۵): روند نسبت مالیاتی به تولید ناخالص داخلی



نمودار(۶): روند تورم در ایران

در دهه ۷۰ و ۱۳۶۰ و ۷۰ ارتباط کاملاً معنی داری بین تورم و نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی وجود دارد. زمانهایی که تورم فزاینده وجود داشته است، نسبت درآمدهای مالیاتی کاهش یافته است. در زمان‌های که تورم کاهش یافته است نسبت درآمدهای مالیاتی به شدت

افزایش یافته است. ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۷۶ با سقوط شدید تورم، بالاترین نسبت درآمدهای مالیاتی در کشور محقق شده است. در دهه ۱۳۸۰ درآمدهای نفتی بر کشور حاکم شده است و بیشترین اتکای دولت به این بخش بوده است و به همین جهت نسبت درآمد مالیاتی اندک بوده است. بنابراین، در دوران اقتصاد بدون نفت، افزایش نسبت مالیاتی مستلزم کاهش شدید در تورم است. اگر تورم مهار نشود اقتصاد غیر شفاف و زیر زمینی در کشور حاکم شده و بخش شفاف اقتصاد کارایی خود را به دلیل پرداخت بیش از حد مالیات از دست خواهد داد.

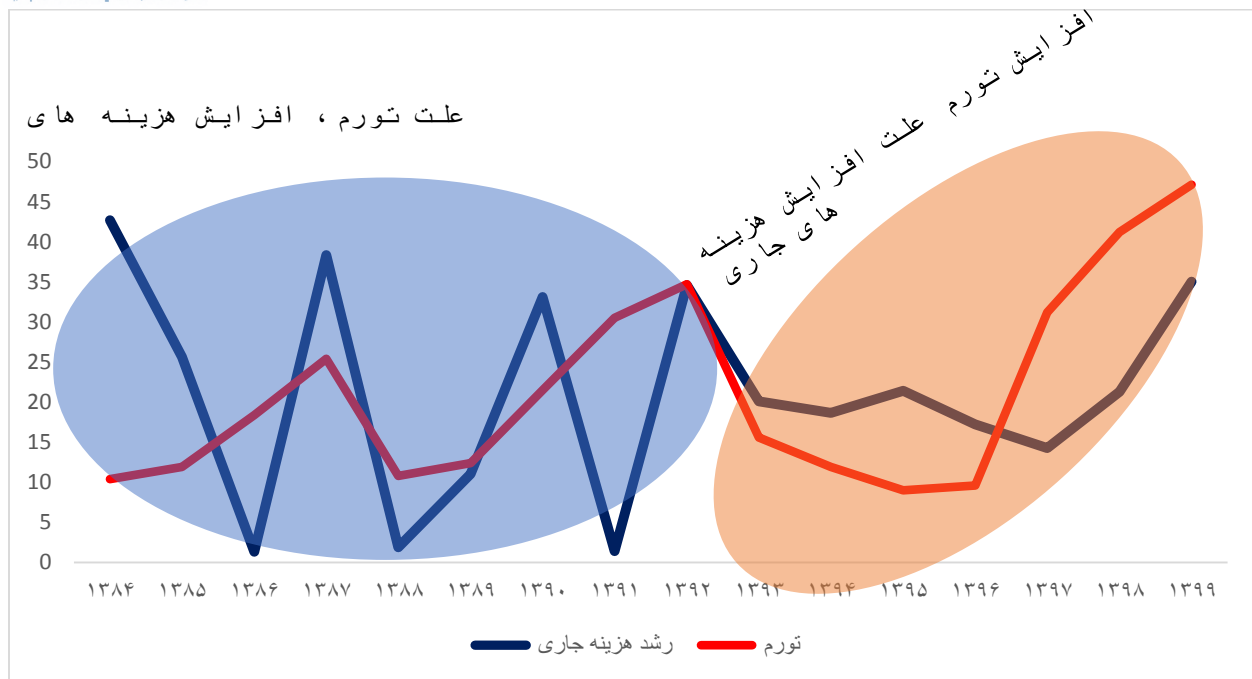
با توجه به موارد اشاره شده لازم است سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور مالیاتی، مالیات ستانی را به نحوی تنظیم نماید که کمترین فشار هزینه‌ای به بخش شفاف اقتصاد تحمیل شود و مهمترین اصل در مدیریت درآمد مالیاتی کنترل تورم است. کنترل تورم، سبب خواهد شد تا فضای اقتصاد زیر زمینی تنگ تر شده و شناسایی موئیدان مالیاتی برای سازمان امور مالیاتی راحت تر انجام شود. در دومین وهله، سازمان برنامه و بودجه باید از درآمدهای حقیقی تولیدکنندگان مالیات دریافت نماید. به عبارت بهتر، تورم سود اضافی برای تولیدکنندگان ندارد و صرفا با افزایش تورم، هزینه‌های تهیه مواد اولیه، دستمزد، بازاریابی و ... افزایش یافته و عملا سودی به آنها تعلق نمی‌گیرد و لازم است دریافت مالیات از تورم کسر شود. در سال ۱۴۰۳ اگر درآمد مالیاتی ۱۱۲۲ همت محقق شود و ۲۵ درصد نرخ تورم کشور باشد، بخش شفاف اقتصاد کشور باید ۲۸۱ همت مالیات به نرخ تورم کشور پردازد که هزینه بسیار مضاعفی بر این بخش است. نتیجه چنین امری کاهش تولید و کاهش درآمد مالیاتی دولت است. بنابراین، سازمان برنامه و بودجه باید بودجه را به نحوی تنظیم نماید که رشد اقتصادی افزایش پیدا کند و مبنای قرار دادن تراز بودجه تمامی هدفگذاری‌های برنامه هفتم را مختل خواهد کرد. توصیه مرکز پژوهش‌های اتاق تهریز آن است که میزان ۲۸۱ همت مالیات تورمی که دولت در نظر گرفته است برای بخش شفاف اقتصاد تخفیف داده شده و جرایم سنگین برای فرار مالیاتی در نظر بگیرد. همچنین، دولت می‌تواند بخشی از مالیات تورمی را از طریق حذف مبلغ ۱ میلیون میلیارد ریال تسهیلات قرض الحسنه در نظر گرفته شده بر اشتغال را که تورم زا است، جبران نماید (از آنجایی که اطمینانی از این بابت که این مقدار منجر به تولید نشود و همچنین با احتمال بسیار فراوان چنین مبلغی به فعالیت‌های سفته بازانه هدایت شود، بهتر است مبلغ مالیات تورمی از این بخش پرداخت شود تا هزینه مضاعف بر تولید کنندگان وارد نشود).

بنابراین ۱۰۰ هزار میلیارد تسهیلات قرض الحسنه اعطایی باید لغو شده و صرف هزینه مالیات تورمی تولید کنندگان شود. گرچه تنظیم بودجه ایده آل می‌تواند از بروز تورم جلوگیری نماید ولی باید توجه شود که کنترل انتظارات تورمی در وضعیت فعلی نقش غیر قابل انکار داشته و سبب می‌شود تا تورم بیشتر کاهش یابد. از سوی دیگر، برای افزایش پایه مالیاتی و شناسایی بخش غیر شفاف اقتصاد لازم است به کنوانسیون‌های مالی بین المللی مانند fatf متصل شود.

ماده الحاقی به شفافیت و انضباط بودجه‌ای:

کنترل تورم لازمه ایجاد انضباط بودجه‌ای است.

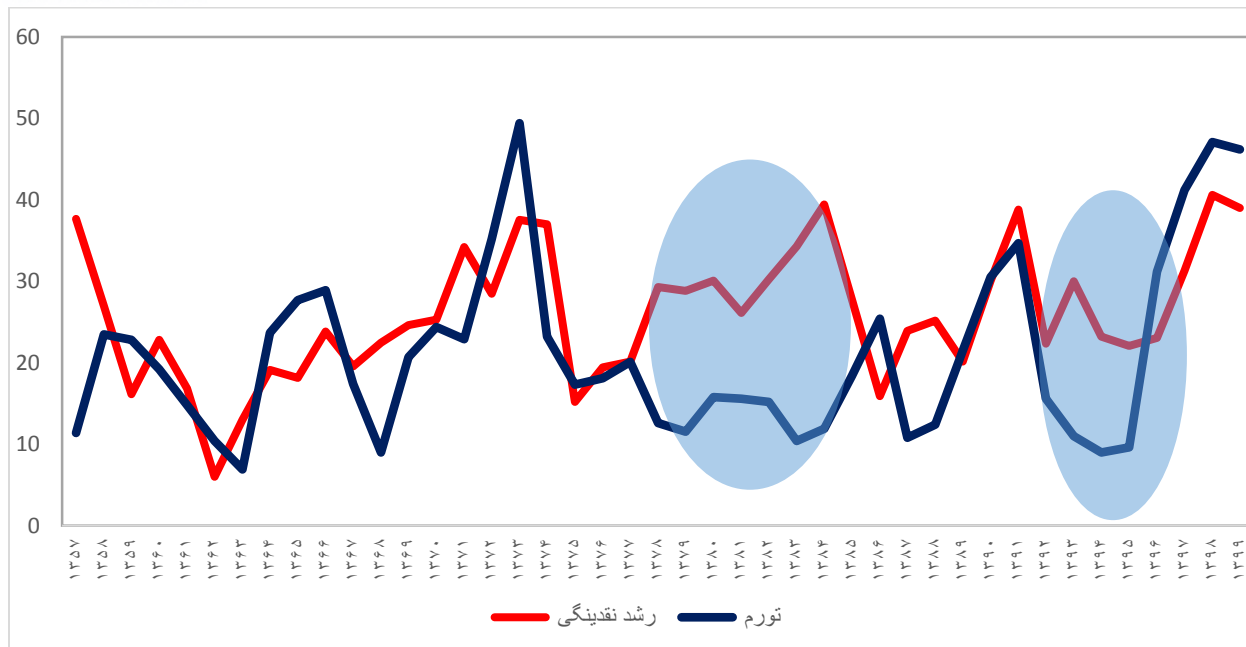
مهمترین عامل مخل کننده شفافیت و انضباط بودجه در ایران، بالا بودن نرخ تورم است. مواقعی که میزان تورم افزایش می‌یابد، هزینه‌های جاری دولت نیز خود به خود افزایش می‌یابد (از نظر علمی ارتباط این دو متغیر دو طرف بوده و هر دو عامل یکدیگر را تقویت می‌نمایند). طبق آمار ثبت شده توسط بانک مرکزی، تا سال ۱۳۹۲ ابتدا افزایش هزینه‌های جاری منجر به تقویت تورم شده است ولی بعد از سال ۱۳۹۲ این مقدار تورم بوده است که سبب تقویت هزینه‌های جاری شده است.



نمودار(۷): روند تورم و هزینه جاری دولت

مشاهده می شود که بعد از سال ۱۳۹۲ تورم بر هزینه های جاری مقدم بوده است و تورم بعد از چند دوره سبب افزایش هزینه های جاری شده است. بنابراین، مهمترین اصل در ایجاد انضباط مالی مهار تورم است. مهار تورم از چند عامل تاثیر می پذیرد که به نظر می رسد در شرایط فعلی اقتصادی ایران کنترل آنها سخت و نشدنی باشد. اما یکی از متغیرهای اثر گذار بر تورم که توجه چندانی به آن نمی شود ولی می تواند در مهار تورم و انضباط بودجه مفید واقع شود کنترل انتظارات تورمی است. اگر ریشه تورم را پول و سیاست های پولی انبساطی (ناشی از عدم انضباط در بودجه دولت) در نظر گرفته شود، ملاحظه می شود که اثرگذاری پول بر تورم در دوره ها و زمان های مختلف، متفاوت بوده است.

نقد لایحه بودجه سالانه ۱۴۰۳



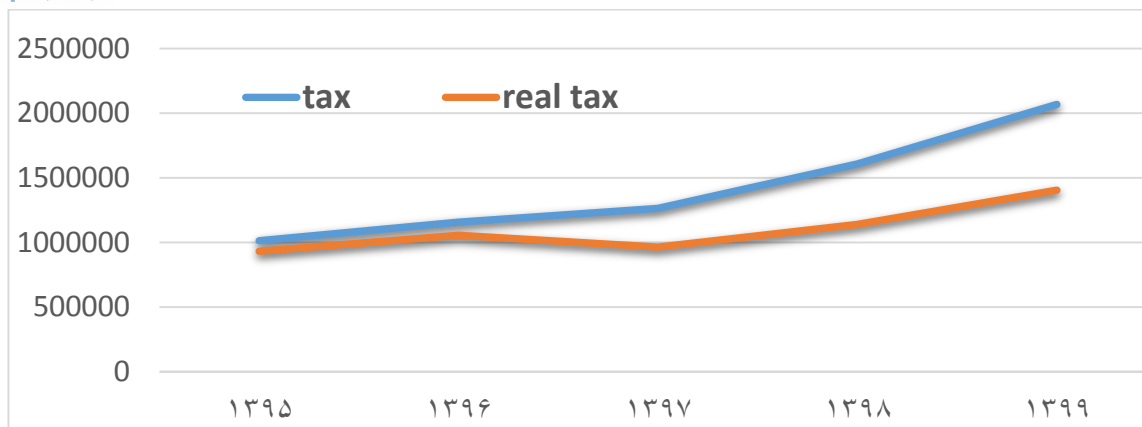
نمودار (۸) ارتباط نقدینگی و تورم

روند تورم نشان می‌دهد که از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۴۰۰ تقریباً روند یک به یکی بین رشد نقدینگی و تورم وجود دارد. یکی از دوره‌هایی که اثرگذاری نقدینگی بر تورم اندک بوده است، دوره ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۹ و دوره ۱۳۹۲-۱۳۹۶ است. در این دوران ساختار سیاست و اقتصاد ایران به نحوی است انتظارات تورمی چندان فعال نیست.

بنابراین مهمترین رویکردی که دولت در سال ۱۴۰۳ برای داشتن انضباط در بودجه باید مد نظر قرار دهد، مهار تورم است که کلید اصلی کنترل آن نیز کنترل انتظارات تورمی است. اگر دولت نتواند انتظارات تورمی را کنترل نماید، تورم به وجود آمده و افزایش حقوق و مزایا بعد از چند ماه کیفیت خود را از دست خواهد داد و دولت مجبور خواهد بود که برای افزایش رضایت کارکنان و سایر هزینه‌های جاری، مقدار هزینه‌های خود را افزایش داده و به بی انضباطی مالی روی آورد.

جدول ۳: مقایسه تورم مایلات و هزینه جاری دولت

سال	عایدی دولت از مالیات تورمی	افزایش هزینه جاری دولت	افزایش کسری از مالیات تورمی	نتیجه:
۱۳۹۷	۳۰ همت	۳۵ همت	۵ همت	دولت بازنده اصلی تورم
۱۳۹۸	۴۶ همت	۵۹ همت	۱۴ همت	
۱۳۹۹	۶۶ همت	۱۱۷ همت	۵۱ همت	



نمودار (۹): اختلاف درآمد مالیاتی اسمی و حقیقی (درآمد دولت از مالیات تورمی)

سیستم ارزی ثابت (ثابت نگهداشتن ارز و اعمال ارز چند نرخ) عامل مخرب انضباط بودجه است.

انضباط بودجه زمانی برقرار می‌شود که دخل و خرج دولت در طول یکسال متوازن باشد. درآمدهای ارزی دولت یکی از عوامل اصلی ایجاد کننده انضباط بودجه است. زمانی که دولت تصمیم می‌گیرد که نرخ ارز را در طول چندین سال تعدیل ننماید، تورم سبب می‌شود تا نرخ ارز حقیقی کاهش یابد. کاهش نرخ ارز حقیقی و تعدیل نشدن آن در طول زمان منجر به کاهش قدرت خرید دولت شود. کاهش قدرت خرید دولت با چاپ پول تامین شده و بر مقدار تورم می‌افزاید و سیکل باطل ناترازی بودجه مجدداً تکرار می‌شود. در این راستا توصیه می‌شود دولت با توجه به تورم ماهانه و یا تورم فصلی، اجازه دهد نرخ ارز تعدیل شود تا قدرت خرید دولت کاهش نیابد (زمان تعدیل بستگی به شوک‌های سیاسی و مخصوصاً شوک‌های قیمتی بازار نفت دارد).

یکی از رودیگرهای مهم و مناسبی که دولت در مورد نرخ ارز اعمال کرده است، پیمان سپاری ارزی است. نقطه ضعف پیمان سپاری ارزی آن است که نرخ ارز در آن مناسب تعیین نشده است. اگر نرخ ارز تک نرخ بوده و براساس تورم موجود کشور تعیین شود ضمن کنترل فساد می‌تواند با تحریک صادرات میزان تولید ناخالص داخلی را افزایش داده و سبب شود تا میزان درآمدهای دولت افزایش یابد. شایان ذکر است در پیمان سپاری ارزی ورود و خروج ارز معلوم بوده و حرکت ارز به سمت فعالیت‌های سفته بازانه کاملاً قابل کنترل است. بنابراین اعمال و اجرای سیستم ارزی منعطف (نرخ تک نرخ) با قابلیت تعدیل بر اساس تورم) تحت رویکرد پیمان سپاری ارزی، ضمن تقویت شفافیت بودجه منجر به تقویت قدرت خرید دولت شده و از بروز ناترازی بودجه جلوگیری به عمل می‌آورد. (این قسمت بطور مفصل در قسمت درآمدهای نفتی و گازی مورد بررسی قرار می‌گیرد)

انضباط بودجه در گرو تنظیم بودجه بر اساس شرایط اقتصادی است

یکی از موارد بسیار مهم که در ساختار اقتصاد کلان ایران رعایت نمی‌شود، توجه به چرخه‌های تجاری اقتصاد است. در سال‌هایی که دولت توانایی فروش حجم بزرگی از نفت و با قیمت‌های بالا را داشت، یارانه‌های مناسبی به مردم توزیع می‌کرد. در وضعیت فعلی که کشور دچار رکود تورمی است، چه نیازی است که دولت بخواهد یارانه‌های پرداختی را افزایش دهد؟ دولت در سال جاری ۷۵۸۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال قرار است یارانه پرداختی داشته باشد. معادل دلاری این هزینه رقمی در حدود ۲۷ میلیارد دلار است. اگر هدف دولت از اعمال چنین یارانه‌ای کاهش ضریب جینی و توزیع مناسب درآمد است باید به این نکته توجه نماید که تورم مهمترین عامل ایجاد کننده ناعدالتی در کشور است و تقویت کننده تورم نبود رشد اقتصادی و سیاست پولی انبساطی است.

تبصره ۱۰- هدفمندی یارانه‌ها:

الف-۱:

نقد لایحه بودجه سالانه ۱۴۰۳

در سال ۱۴۰۳ دولت خود را ملزم کرده است که رقمی معادل ۷,۵۸۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال پرداخت نماید. همانگونه که اشاره شد معادل دلاری این رقم چیزی در حدود ۲۷ میلیارد دلار است و قرار است که اگر این بودجه تامین نشود، از سایر ردیف های درآمدی و هزینه های به آن اختصاص یابد. کسری بودجه دولت در سال ۱۴۰۰ رقمی معادل ۹ میلیارد دلار بوده است و این امر نشان می دهد که یارانه های پرداختی هزینه سنگینی بر دوش دولت دارد. در این راستا، اگر درآمدهای دولت به هر نحو افزایش یابد می توان به عدم اثرگذاری مخرب چنین هزینه های امیدوار بود ولی اگر درآمدهای دولت قابلیت تحقق نداشته باشد (محتمل ترین گزینه ممکن به دلیل فشار مالیاتی مضاعف بر واحدهای تولیدی و کاهش درآمد مالیاتی است) تورم-رکودی ناشی از چنین هزینه های دور از ذهن نیست. دولت باید یک بودجه منطقی و بر اساس شرایط اقتصادی کشور تامین نماید. تخصیص چنین اعتبار سنگینی به کل جامعه سبب کاهش کیفیت اثرگذاری پول می شود. بهتر است سازمان برنامه و بودجه با استفاده از روند پرداخت یارانه در سال های گذشته مقدار بهینه یارانه پرداختی را بر حسب تولید ناخالص داخلی را مشخص نموده و بر آن اساس مقدار یارانه را در جامعه توزیع نماید. به عبارت بهتر، وقتی عرضه کل اقتصاد و تولید کشور دچار مشکل است و نیازمند تامین نقدینگی است، تخصیص اعتبار به سمت یارانه منجر به عدم دسترسی به اعتبار از سوی تولید کنندگان شده و اثرات آن بصورت تورم در جامعه بروز می نماید. در مقابل، وقتی کشور در وضعیت رونق قرار می گیرد، جریانات نقدی شرکت ها و تولید کنندگان به شدت افزایش می یابد و نیاز به تامین نقدینگی اندکی دارند و در این راستا دولت می تواند یارانه بیشتری را به یارانه ها و حمایت از توزیع مناسب درآمد اختصاص دهد.

جدول (۴): اطلاعات یارانه ۱۴۰۳ و مقایسه کلی با سال ۱۴۰۲

کل یارانه دولت در سال ۱۴۰۳	ریز اطلاعات یارانه ۱۴۰۳	یارانه نقدی در سال ۱۴۰۲	۳۰٪ جمعیت
۷۵۸ همت	نامشخص	۳۱۵ همت	یارانه ۴۰۰ هزار تومانی
۶۰ درصد جمعیت	یارانه نان	یارانه دارو	یارانه فروش فرآورده های نفتی
یارانه ۳۰۰ هزار تومانی	۵۶ همت	۶۹ همت	۱۲۶,۳ همت
کمیت امداد	سازمان بهزیستی	کل یارانه سال ۱۴۰۲	افزایش یارانه امسال نسبت به ۱۴۰۲
۳۶ همت	۳۹ همت	۶۴۱ همت	۱۱۷ همت
قدرت خلق تورم ۱۱۷ همت	یارانه حقیقی ۱۴۰۳ با فرض تورم ۴۶ درصدی	یارانه حقیقی ۱۴۰۲ با تورم ۲۱	مقدار واقعی قدرت خرید مردم با نصف کردن تورم
۱۱,۵۳ درصد تورم	۵۱۹ همت	۵۲۹ همت	۹۹ همت
❖ توصیه سیاستی: کنترل تورم بیشتر از افزایش یارانه میتواند بر قدرت خرید مردم تاثیر داشته باشد.			
❖ بهتر است مجلس شورای اسلامی از افزایش مقدار یارانه های پرداختی سال ۱۴۰۳ جلوگیری نماید.			

مشاهده می شود که مقدار یارانه در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۲ به اندازه ۱۱۷ همت افزایش خواهد یافت. اگر چنین رقمی توسط بانک مرکزی تامین مالی شود، در سیستم بانکی و با ضریب تکاثر ۷ تبدیل به مقدار ۸۱۹ همت نقدینگی خواهد شد. طبق آخرین آمار بانک مرکزی از وضعیت نقدینگی، حکایت از آن دارد که مقدار کل نقدینگی کشور ۷۰۹۹ همت است. بنابراین، افزایش یارانه می تواند رشد نقدینگی را ۱۱ درصد افزایش دهد و همین مقدار بطور بالقوه توانایی افزایش ۱۱ درصدی از تورم را دارد. از سوی دیگر، دولت مقدار ۱۰۰۰ همت تسهیلات

نقد لایحه بودجه سالانه ۱۴۰۳

قرض الحسنه در نظر گرفته است که قدرت افزایش رشد نقدینگی و تورم ۱۴ درصدی را دارا است (۱۴=۷۰۹۹/۱۰۰۰). بنابراین، اگر تسهیلات ۱۰۰۰ همتی و افزایش یارانه ۱۱۷ همتی جلوگیری شود؛ دولت می‌تواند از افزایش ۲۵ درصدی تورم جلوگیری نماید. اثرات کاهش تورم از ۴۶ درصد سال ۱۴۰۲ به تورم ۲۱ درصدی سال ۱۴۰۳ برای یارانه بگیران در جدول محاسبه شده است. اگر تورم سال بعد ۴۶ درصد باشد، مقدار حقیقی یارانه ۷۴۸ همتی برابر با ۵۱۹ همت خواهد بود. اگر دولت ۲۵ درصد از تورم را کاهش دهد، مقدار یارانه حقیقی سال ۱۴۰۲ در سال ۱۴۰۳ برابر ۵۲۹ همت خواهد بود. ملاحظه می‌شود که ۵۲۹ همت بیشتر از ۵۱۹ همت است. به عبارت بهتر، دولت می‌تواند به جای افزایش یارانه که تورم را است، با کاهش تورم، رفاه کل جامعه را افزایش دهد

➤ مهمترین رکن شفافیت بودجه، افشای جزئیات بودجه است

در سرتاسر بندها و تبصره‌های بودجه ابهام دیده می‌شود. برای نشان دادن شفافیت بودجه باید لیست سازمان‌ها و شرکت‌هایی که از بودجه دولت هزینه می‌نمایند افشا شده و عملکرد آن‌ها طبق بودجه گرفته شده مورد ارزیابی قرار بگیرد. از سوی دیگر، شرکت و سازمان‌هایی که برای دولت درآمد ایجاد می‌کنند باید هزینه کرد درآمدهایشان را افشا نمایند تا شفافیت در بودجه نشان داده شود. بودجه سالانه نگارش شده بسیار کلی بوده و شفافیتی در آن وجود ندارد.

تبصره ۴- رابطه مالی دولت و نفت

قبل از ارائه تحلیل درباره نفت باید به این نکته اشاره شود که در دهه‌های مختلف درآمدهای ناشی از نفت سبب شده است که شوک‌های منفی بر اقتصاد تحمیل شده و رکود اقتصادی و بیماری هلندی بر کشور تحمیل شود. همچنین در اواخر دهه ۱۳۸۰ و فور درآمدهای نفتی سبب گردید تا اندازه دولت وسیع شده و هزینه‌های آن افزایش یابد. در این زمان اکثر هزینه‌های دولت از طریق درآمدهای نفتی پوشش و تامین گردید که اوایل دهه ۱۳۹۰ با تحریم اقتصاد ایران شفاف بزرگی بین درآمد و هزینه‌های دولت برقرار شده و بودجه دولت به شدت ناتراز گردید. ناترازی بودجه به سایر بخش‌های اقتصادی سرایت کرده و بیشتر بخش‌ها مانند بخش بانکی، انرژی، آب و ... به دلیل عدم سرمایه‌گذاری مناسب ناتراز گردید. اگر تمامی این سال‌ها بطور دقیق مورد بررسی قرار گیرد مشخص می‌شود که درآمدهای نفتی علت مشکلات اقتصادی ایران نیست بلکه عدم مدیریت صحیح و هزینه کرد ناصحیحی این درآمد سبب به وجود آمدن این معضلات شده است. بر این اساس که نفت، اقتصاد ایران را با مشکل مواجه ساخته و باید از چرخه درآمدی کشور حذف شود صحیح نیست و بهتر است دولت برنامه جدی برای فروش نفت داشته باشد ولی درآمدهای نفتی را نباید در هزینه‌های جاری خرج کند و باید در توسعه زیرساخت‌های عمرانی، انرژی و آبی کشور هزینه نماید.

درآمدهای نفتی:

طبق لایحه بودجه سال ۱۴۰۳

جدول ۵: لایحه سالانه بودجه دولت

لایحه بودجه	قیمت دلار	حجم فروش نفت	قیمت نفت	حجم فروش گاز	قیمت گاز
سال ۱۴۰۳	۲۸۵۰۰ تومان	۱,۳۵ میلیون بشکه در روز	۷۱	۱۱ میلیارد متر مکعب	۰,۳۱ دلار
سهام صندوق توسعه مالی	۴۰٪	۱۵ میلیارد دلار	۱۵٪	درآمد حاصل از خوراک پتروشیمی	۵۸ همت

مجموع درآمدهای نفتی بر اساس پیش بینی سازمان برنامه و بودجه:

$$13500000 \times 365 \times 71 =$$

$$34,985,250,000 \$$$

نقد لایحه بودجه سالانه ۱۴۰۳

مجموع درآمدهای گازی

دولت: ۳۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال = ۳,۴۱۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار

مجموع درآمدهای نفتی و گازی = ۳۸,۳۹۵,۲۵۰,۰۰۰ دلار

سهام دولت: ۴۵٪

دولت: ۱۷,۲۷۷,۸۶۲,۵۰۰ دلار

از مجموع مبلغ ۱۷ میلیارد دلار سهم دولت، ۱۵ میلیارد دلار آن سهم ارز ترجیحی است. مبلغ باقی مانده ۲۲۷۷۸۶۲۵۰۰ دلار است. معادلی ریالی ارقام اشاره شده به شرح زیر است.

جدول (۶): درآمد ریالی دولت از طریق صادرات نفت و گاز در سناریوهای مختلف از نرخ ارز

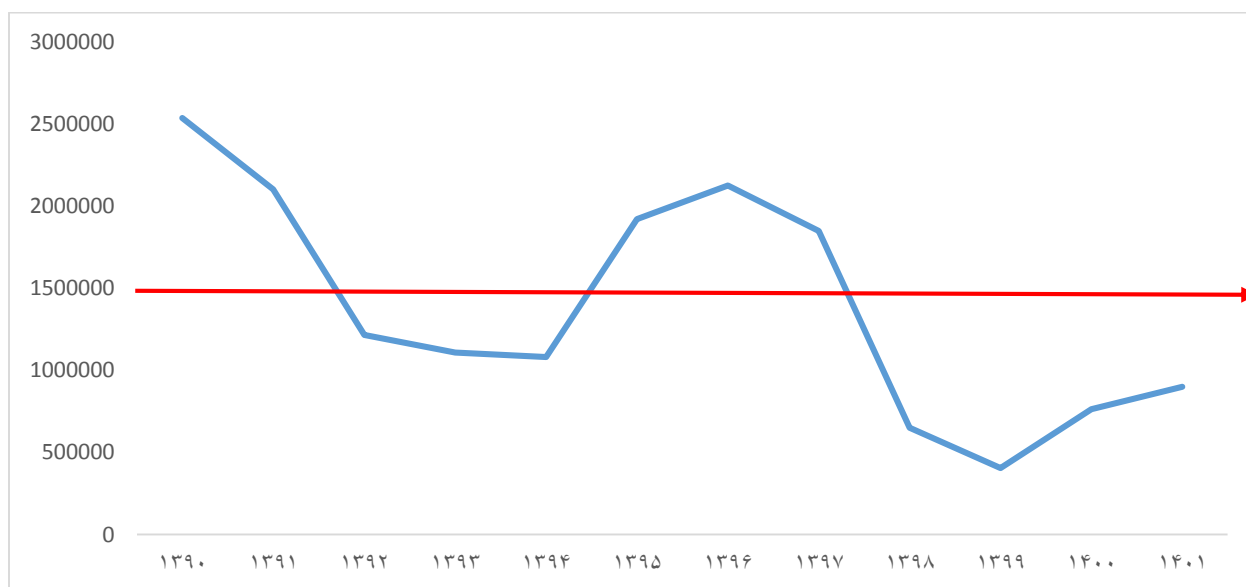
قیمت تبدیل ارز	درآمد ریالی از ارز ترجیحی	درآمد ریالی از مازاد ارز ترجیحی	درآمد حاصل از خوراک پتروشیمی	کل
۲۸۵۰۰	۴۲۷,۵ همت	۶۴,۹۱ همت	۵۸ همت	۵۵۰ همت
۳۸۵۰۰	۴۲۷,۵ همت	۸۷,۶۹ همت	۵۸ همت	۵۷۳,۱۹ همت
۵۰۰۰۰	۴۲۷,۵ همت	۱۱۳,۸۹ همت	۵۸ همت	۶۰۰ همت

بطور واضح مشخص است که سازمان برنامه و بودجه اصرار بر تخریب قدرت خرید دولت داشته و حتی مازاد ارز ترجیحی را نیز با نرخ ۲۸۵۰۰ تبدیل خواهد کرد. اگر مازاد ارز با نرخ ۳۸۵۰۰ به ریال تبدیل شود، قدرت خرید دولت ۲۴ همت افزایش خواهد یافت. در مقابل، اگر با نرخ بازار آزاد تبدیل شود قدرت خرید دولت له اندازه ۵۰ همت افزایش می‌یابد.

قبل از ارائه تحلیل در مورد نرخ گذاری‌های تسعیر باید بررسی به عمل آورده شده و مشخص شود که آیا درآمدهای نفتی و گازی مطرح شده در لایحه قابلیت تحقق را دارد؟

روند زمانی درآمدهای نفتی ایران:

مقدار فروش نفت:



نمودار (۱۰): روند زمانی فروش نفت ایران

تجربه اقتصاد ایران نشان می‌دهد که کشور ما تنها در دو بازه زمانی فروش نفت کمتر از ۱۵۰۰ بشکه در روز تجربه کرده است. در هر دوی این بازه کشور با تحریم روبرو بوده است. بنابراین، با قطعیت نمی‌توان در مورد مقدار فروش نفت دولت اظهار نظر کرد. اگر اقتصاد ایران با تحریم مواجه نباشد می‌توان با پیش بینی رشد اقتصادی کل جهان و شرکای تجاری ایران در مورد میزان فروش نفت ایران اظهار نظر کرد. تجربه اقتصاد ایران در دوران مذاکرات هسته‌ای تا برجام حکایت از فروش ۱۱۳۵۲۶۶ بشکه در روز حکایت دارد و در خوش بینانه ترین حالت این مقدار، اندازه فروش نفت ایران خواهد بود (در صورت رفع تحریم، حداقل ۱۵۰۰ بشکه در روز).

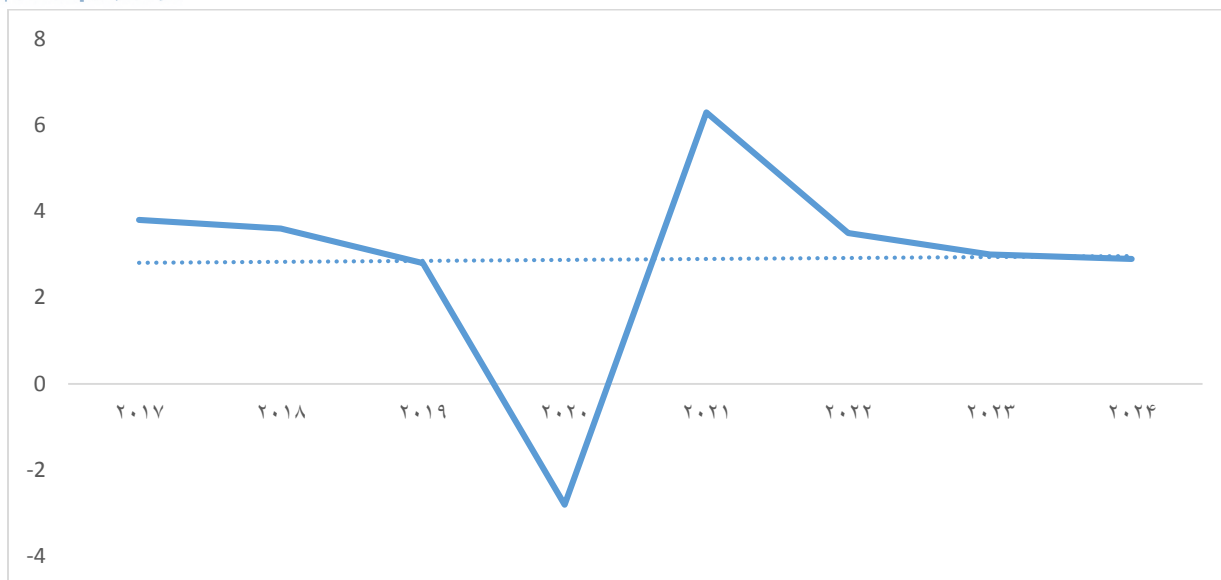
قیمت نفت



نمودار (۱۱): قیمت جهانی نفت در بازه زمانی ۲۰۱۹-۲۰۲۳

برآورد قیمت جهانی نفت در بازه زمانی ۲۰۱۹-۲۰۲۳ نشان از فراز و فرودهای شدید قیمت نفت دارد. کرونا سبب شده است تا قیمت نف در برخی از ماه‌های کرونا زیر ۱۰ دلار برسد. در مقابل، در دوران بعد از کرونا قیمت نفت به ۱۳۰ دلار رسیده است. در این بازه زمانی و با تجربه قیمت ۱۰ دلاری ۱۳۰ دلاری، متوسط قیمت نفت ۷۱٫۶ دلار بوده است. متوسط قیمت دلار در سال ۲۰۲۳، ۸۰ دلار بوده است. طبق پیش بینی صندوق بین المللی پول، سال آینده رشد اقتصادی جهان مثبت ۳ درصد خواهد بود. بنابراین انتظار بر آن است که قیمت پیش بینی شده توسط دولت (۷۱ دلار) تحقق یابد. (گرچه گزارش های غیر رسمی از تخفیفات ۲۰ دلاری ایران برای فروش نفت حکایت دارد و اگر مساله تحریم- های اقتصادی حل نشود با وجود قیمت‌های بالای ۷۰ دلار نیز، دولت نخواهد توانست با قیمت ۷۰ دلار به فروش برساند).

نقد لایحه بودجه سالانه ۱۴۰۳



نمودار (۱۱): پیش بینی رشد اقتصاد جهانی توسط صندوق بین المللی پول

برآورد کسری بودجه دولت از صادرات نفت:

جدول (۷): کسری بودجه دولت از ناحیه کاهش فروش نفت

لایحه بودجه سال ۱۴۰۳	قیمت دلار	حجم فروش نفت	قیمت نفت	درآمد نفتی سال ۱۴۰۳
۲۸۵۰۰ تومان	۱۱۳۵۲۶۶	۷۱	دلار ۲۹۴۲۰۴۱۸۳۹۰	
سهام صندوق توسعه مالی و شرکت نفت	سهام ارز ترجیحی	سهام شرکت ملی نفت	درآمدهای گازی	
۴۰٪ ۱۳۱۳۲۱۶۷۳۵۶ دلار	۱۵ میلیارد دلار	۱۵٪ دلار ۴۷۶۰۴۱۰۶۶۷	۳۰۴۱۰۰۰۰۰۰۰ دلار	
سهام دولت از فروش نفت	کسری دولت از ارز ترجیحی	کسری دولت از ارز مازاد	کل کسری از فروش نفت خام	
۱۴،۷ میلیارد دلار	۰،۳ میلیارد دلار	۲،۳ میلیارد دلار	۲،۶ میلیارد دلار	

طبق این آمار ۲،۶ میلیارد دلار کسری بوده از ناحیه درآمدهای ارزی خواهد داشت. معادل ریالی ۲،۶ میلیارد دلار کسری بودجه ۷۴ همت کسری بودجه است. بنابراین این مقدار پول توسط بانک مرکزی تامین مالی خواهد شد. بنابراین ناترازی در تامین کالاهای اساسی وجود خواهد داشت که از بازار نیما تهیه خواهد شد:

۳ همت = ۳۰۰۰۰۰۰۰۰ * ۱۰۰۰۰

نقد لایحه بودجه سالانه ۱۴۰۳

مقدار کل پولی که از ناحیه کسری درآمدهای نفتی متوجه دولت می‌شود مقداری در حدود ۷۷ همت است. این مقدار در سیستم بانکی به نقدینگی تبدیل شده و مقدار رشد نقدینگی کشور از ناحیه کسری نفتی در سال آتی را به ۶ درصد خواهد رساند. (۱۱۴۷ همت بر رشد نقدینگی کشور افزوده می‌شود).

یک حالت بدبینانه:

مرکز پژوهش‌های مجلس قیمت جهانی نفت را ۶۵ دلار پیش بینی کرده است. در این قسمت تحلیل درآمدهای ارزی دولت بر اساس فروش ۱۱۳۵۰۰۰ بشکه نفت با قیمت ۶۵ دلار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول (۸): برآورد کسری بودجه دولت از کاهش فروش نفت با قیمت کمتر از لایحه بودجه سال ۱۴۰۳

بودجه سال ۱۴۰۳	قیمت دلار	حجم فروش نفت	قیمت نفت	درآمد نفتی سال ۱۴۰۳
۲۸۵۰۰ تومان	۱۱۳۵۰۰۰ بشکه	۶۵ دلار	۲۶,۹ میلیارد دلار	
سهم صندوق توسعه مالی و شرکت نفت	سهم ارز ترجیحی	سهم شرکت ملی نفت	درآمدهای گازی	
۴۰٪ ۱۲,۱ میلیارد دلار	۱۵ میلیارد دلار	۱۵٪ ۴,۵۴ میلیارد دلار	۳,۴۱۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار	
سهم دولت از فروش نفت	کسری دولت از ارز ترجیحی	کسری دولت از ارز مازاد	کل کسری از فروش نفت خام	
۱۳,۶ میلیارد دلار	۱,۴ میلیارد دلار	۲,۳ میلیارد دلار	۳,۷ میلیارد دلار	

طبق این آمار ۳,۷ میلیارد دلار کسری بوده از ناحیه درآمدهای ارزی وجود خواهد داشت. معادل ریالی ۳,۷ میلیارد دلار کسری بودجه ۱۰۵,۴ همت کسری بودجه است. بنابراین این مقدار پول توسط بانک مرکزی تامین مالی خواهد شد. از سوی دیگر، به اندازه ۱,۴ میلیارد دلار کسری برای تامین کالاهای اساسی وجود خواهد داشت. بنابراین، این مقدار از بازار نیما تهیه خواهد شد و دولت مجبور است با چاپ پول از بازار نیما دلار را به قیمت ۳۸۵۰۰ خریداری نموده و با قیمت ۲۸۵۰۰ به وارد کننده بفروشد که نتیجه این امر چاپ پول به اندازه

۱۴ همت = ۱,۴ میلیارد دلار * ۱۰۰۰۰

مقدار کل پولی که از ناحیه کسری درآمدهای نفتی متوجه دولت می‌شود مقداری در حدود ۱۱۹ همت است. این مقدار در سیستم بانکی به نقدینگی تبدیل شده و مقدار رشد نقدینگی کشور از ناحیه کسری نفتی در سال آتی را به ۱۱ درصد خواهد رساند.

این امر ظاهر ماجراست و چاپ پول دولت بسیار بیشتر از این مقدار خواهد بود. دولت در راستای تامین ارز کالاهای اساسی نیاز دارد که در بازار نیما ورود کرده و مقدار ارز را با دلار ۳۸۵۰۰ تومان باید خریداری نماید. این عمل دو اثر بر جای خواهد گذاشت:

(۱) کسری ارزی خود دلار را با چاپ پول تامین می‌کند. از آنجایی که این کسری در جدول قبلی با دلار ۲۸۵۰۰ تومانی محاسبه گردید، لازم است اختلاف ۱۰ هزار تومانی دلار رسمی و نیما در مقدار کسری محاسبه شود. این مقدار بالقوه می‌تواند تورم را ۱۱ درصد افزایش دهد.

(۲) صادرکنندگان نزدیک به دو سال است با نرخ نیمایی تبدیلات ارزی خود را انجام می‌دهند. از سوی دیگر، تورم‌های بالای ۴۰ درصدی در کشور ایجاد شده ولی کماکان پیمان سپاری با نرخ دو سال قبل انجام می‌شود. محدودیت ارزی دولت و دسترسی به ارز آسان سبب

^۱ مقدار نقدینگی شهریور سال ۱۴۰۲، ۷۰۹۹,۱ همت است. بنابراین اگر ۱۱۴۷ بر نقدینگی اضافه شود رشد نقدینگی ۱۶ درصد خواهد بود.

خواهد شد تا نرخ ارز واقعی در کشور برقرار نشود. بنابراین بودجه ریزی امسال با شدت بسیار بالایی، صادرکنندگان را هدف قرار داده و سبب متضرر شدن آنها خواهد شد. نتیجه نهایی آن می‌تواند رکود شدید اقتصادی و کاهش در درآمدهای مالیاتی باشد.

ملاحظه می‌شود اعمال یک سیستم ارزی ثابت سبب می‌شود تا قیمت یک دسته از کالاها ارزان تمام شود ولی کل اقتصاد درگیر تورم شده و رفاه کل جامعه بیشتر از آنکه افزایش یابد، کاهش پیدا خواهد کرد. با اینکه مقدار و اعداد گفته شده مثالی برای روشن شدن ماجرا است و عوامل مختلفی می‌تواند در بروز و عدم بروز آن نقش داشته باشد ولی نکته تاسف بار آن است که دولت هیچ استراتژی مشخص برای عدم تحقق درآمدهای خود ندارد. توصیه بر آن است که دولت دست از سرکوب نرخ ارز و اعمال چند نرخ ارز برداشته و با واقعی کردن ارز به سمت تک نرخ شدن حرکت کند. تا مادامی که این رویکرد اتفاق نیفتد، رانت ارزی، عدم تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی و افزایش تورم مهمان اقتصاد ایران خواهد بود (دولت می‌تواند برای کالاهای اساسی یارانه ریالی تبیین کند نه یارانه دلاری که منشا رانت است).

راه حل جلوگیری از چاپ پول برای تامین ارز:

یک مثال دیگر در صورت کاهش درآمد ارزی دولت به مقدار ۱۱,۵ میلیارد دلار و نحوه تعیین نرخ ارز

جدول ۹: چگونگی تغییرات نرخ ارز و جذب شوک‌های درآمد نفتی بدون اثر گذری بر سیاست پولی

سهم دولت از فروش نفت	قیمت فروش ارز به وارد کننده کالاهای اساسی	درآمد ریالی	کسری ریالی از ناحیه تخصیص ارز به واردات کالاهای اساسی
دلار ۱۱۵۲۷۸۴۰۳۶۷	۲۸۵۰۰	۳۲۸,۵۴۳,۴۵۰,۴۵۹,۵۰۰ تومان	۹۵۶/۹۸ همت
تراز کردن بودجه از ناحیه کسری ارز ترجیحی بدون چاپ پول			
سهم دولت از فروش نفت	قیمت فروش ارز به وارد کننده کالاهای اساسی	درآمد ریالی	کسری ریالی از ناحیه تخصیص ارز به واردات کالاهای اساسی
دلار ۱۱۵۲۷۸۴۰۳۶۷	۳۷۰۸۴ تومان	۵/۴۲۷ همت	۰
تراز کردن کل کسری ناشی از نوسانات درآمد نفتی			
کسری دولت از مازاد ارز ترجیحی	قیمت تسعیر ارز	کسری ریالی دولت از محل مازاد ارز ترجیحی	نیاز ارزی برای تامین ارز ۱۵ میلیارد دلاری
دلار ۲,۲۷۷,۸۶۲,۵۰۰	۲۸۵۰۰	۶۴,۹۱ همت	۳,۴۷۲,۱۵۹,۶۳۳
قیمت بازار نیما	کسری ریالی از ناحیه تامین ارز از بازار نیما	جمع کسری ریالی	قیمت تسعیر برای تراز کردن کل بودجه نفتی
۳۸۵۰۰	۳۴,۷۲۱ همت	۹۹ همت	۴۸۵۷۰ تومان

اهداف صندوق توسعه ملی:

یکی از موارد بسیار مهم و مبهم در بودجه دولت، برنامه صندوق توسعه ملی در راستای نحوه مصرف آن از درآمد ۴۰ درصدی از منابع نفت و گازی است. ۱۳ میلیارد دلار سهم صندوق توسعه ملی باید مشخص شده و در پروژه‌هایی که می‌توانند قدرت خلق ثروت داشته باشند هزینه شود. اقتصاد ایران به دلیل نداشتن لجستیک و ناوگان‌های مناسب نمی‌تواند در جهان خلق ثروت نماید و باید به این عوامل توجه جدی شود. دو بازار صادراتی میلیارد دلاری در جهان وجود دارد که با تقویت زیرساخت‌های عمرانی و راهسازی امکان تصاحب و صادرات محصولات به آنها وجود دارد ولی هیچ برنامه‌ای در این راستا مشاهده نمی‌شود. کریدور شمال جنوب به راحتی می‌تواند اقتصاد ایران را به دو اقتصاد هند و چین متصل نماید. برآوردهای صورت گرفته از هزینه تکمیل این کریدور مبلغی در حدود ۱۰ میلیارد دلار است ولی این پروژه سودآور در ستور کار دولت قرار ندارد.

جدول (۱۰): پروژه زیر بنایی کریدور شمال جنوب

ارزش پروژه	حمل و نقل	پروژه
۱ میلیارد دلار	راه آهن	ساخت بخش راه آهن رشت - آستارا (ایران).
۰/۵ میلیارد دلار	راه آهن	احداث بخش راه آهن قزوین - قم
۰/۴ میلیارد دلار	راه آهن	نوسازی خطوط راه آهن قم - بافق، بافق - کرمان، کرمان - زاهدان
۰/۷۷ میلیارد دلار	راه آهن	ساخت و نوسازی بخش راه آهن زاهدان - بیرجند
۱/۵ میلیارد دلار	راه آهن	ساخت بخش راه آهن چابهار - فرج - بم
۰/۱۵ میلیارد دلار	بندر دریایی	ساخت بندر جدید چابهار
۲ میلیارد دلار	جاده	احداث مسیر تبریز - مرند - بازرگان
۴/۱ میلیارد دلار	جاده	احداث بندر بازرگان بندر امام خمینی
۲/۱ میلیارد دلار	راه آهن	نوسازی خط راه آهن گرمسار - اینچه برون
۰/۴۷ میلیارد دلار		احداث جاده سیرجان - بندرعباس
۱/۲ میلیارد دلار	بندر دریایی	پایانه مکانیزه بار قله ای در بندر شهید رجایی

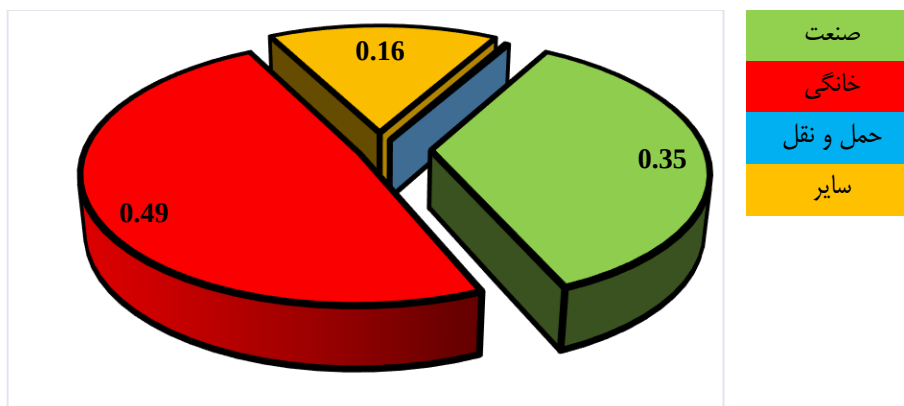
اختصاص سهم ۴۰ درصدی از فروش نفت به صندوق توسعه ملی به چه دلیلی است؟ سهم ۴۰ درصدی باید به تکمیل زیرساخت‌های عمرانی اختصاص یابد تا بستر ایجاد رشد اقتصادی ۸ درصدی فراهم شود.

بند ب

تبصره ۸ برق و انرژی هسته‌ای:

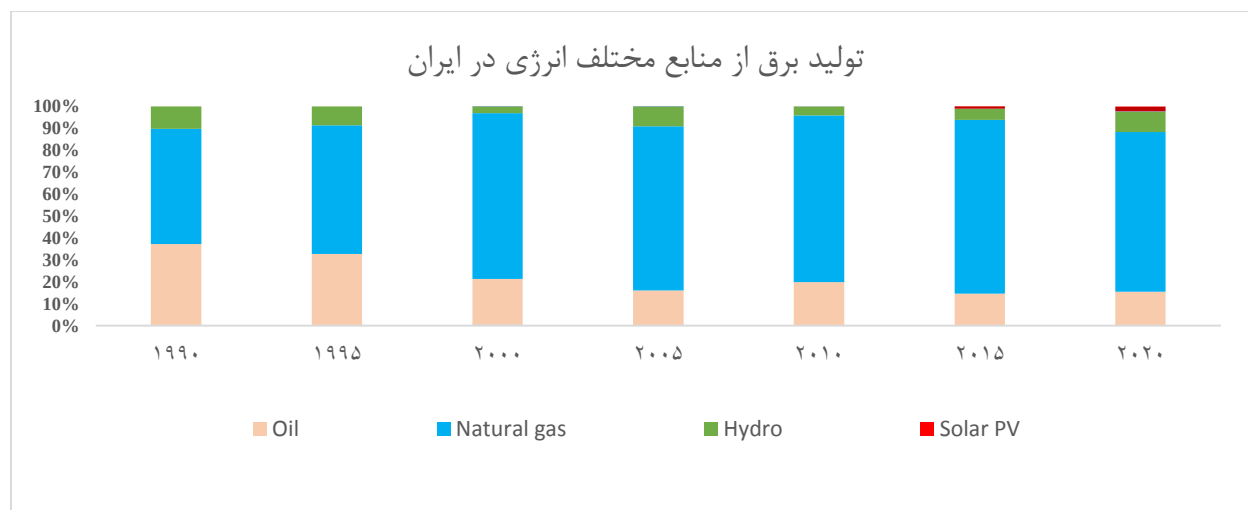
قبل از توضیح موارد الحاقی به برنامه بودجه سال ۱۴۰۳ لازم است به اهمیت برق در تولید ناخالص داخلی و پایدار بودن درآمد مالیاتی دولت اشاره شود. درآمدهای مالیاتی دولت از میزان تولید ناخالص داخلی کشور تبعیت می‌کند اگر تولید کاهش یابد، میزان درآمد مالیاتی نیز کاهش می‌یابد. وجود قطعی برق عامل مخرب در تضعیف تولید ناخالص داخلی و کاهش درآمد مالیاتی و ناترازی بودجه دولت است. بارها تجربه گردید که با بروز ناترازی انرژی، برق واحدهای صنعتی قطع گردید و فرآیند تولید کشور دچار اختلال شد. اگر هدف از بودجه ریزی افزایش تولید ناخالص داخلی و رساندن اقتصاد به وضعیت رشد ۸ درصدی است؛ باید بودجه تامین برق به نحو مطلوب برنامه ریزی شود. مصرف برق در بخش‌های مختلف نشان می‌دهد که بیشترین میزان استفاده را بخش خانگی به خود اختصاص داده است. در رتبه بعدی بخش صنعت قرار دارد.

نقد لایحه بودجه سالانه ۱۴۰۳



نمودار (۱۲): سهم بخش‌های مختلف در استفاده از برق

در کنار بررسی سهم بخش‌های مختلف از میزان مصرف برق باید به بخش‌هایی که برق از آن‌ها تولید می‌گردد نیز اشاره شود. برای تولید برق در ایران، سهم گاز طبیعی در مقام اول، نفت و فرآورده‌های نفتی در مقام بعدی و زغال سنگ رتبه سوم را در تولید برق به خود اختصاص داده و سهم انرژی‌های خورشیدی در تولید برق کشور بسیار ناچیز است.



نمودار (۱۳): تولید برق از منابع مختلف انرژی در ایران

مشاهده می‌شود که دولت منابع نفتی و گازی را در اختیار نیروگاه‌ها قرار داده و از آن برق تولید می‌نماید. برای داشتن بودجه منضبط که ضمن حل ناترازی بودجه‌ای، ناترازی انرژی را رفع نماید باید دو چهارچوب را به طور کامل در لایحه بودجه تشریح نماید.

- دولت باید قیمت برق را به نحوی تعیین نماید که اسراف در مصرف برق خانگی و مخصوصاً استفاده از محصولات پر مصرف جلوگیری به عمل آورده شود.

- میانگین بهره‌وری نیروگاه برق کشور چیزی در حدود ۳۳ الی ۳۵ درصد است. اگر میانگین بهره‌وری نیروگاه‌ها به رقم ۵۳ الی ۵۵ درصد برسد، ظرفیت تولید برق کشور ۸۰ درصد افزایش یافته و ناترازی انرژی برق مرتفع می‌شود. مهمترین دلیلی که سبب می‌شود تا نیروگاه‌ها اقدام به افزایش بهره‌وری ننمایند، سوخت ارزانی است که دولت در اختیار نیروگاه‌ها قرار

می‌دهد. چنین رویکردی ضمن آنکه هزینه دولت را افزایش می‌دهد، به خاطر سودآور بودن تولید برق صاحبان نیروگاه‌ها نیازی بر افزایش بهره‌وری نمی‌بینند و همین امر هر دو ناترازی انرژی و بودجه‌ای را حاصل می‌کند.

➤ توصیه سیاستی در این بخش آن است که دولت قیمت تمامی انرژی‌های را مشخص نماید تا هزینه‌های تحمیل شده بر بودجه دولت مشخص شده و راه کارهای کاهش این هزینه‌ها مشخص شود. (سالانه ۲۰ میلیارد دلار از پایین بودن قیمت بنزین بر کشور تحمیل می‌شود و باید جلوگیری شود)

الف-۶:

عدم وجود برنامه ریزی دقیق در ساختار بودجه به شدت قابل مشاهده است. اگر کشور بتواند تمام نیازهای گندم خود را تامین نماید، تخصیص منابع حاصل از عوارض و مالیات بر ارزش افزوده فروش فرآورده‌های نفتی به نان به کدام بخش اقتصادی باید باز توزیع شود. اگر کشور دچار کم آبی و بارش گردید و نیازهای گندم کشور با توجه به منابع اختصاص یافته مرتفع نگردد دولت چه راه کارهایی را در پیش خواهد گرفت؟. شواهد نشان می‌دهد که افزایش میانگین دمای هوا به شدت بر کاهش تولید گندم موثر بوده است و سبب شده است تا فشار مضاعفی بر منابع ارزی کشور وارد شود. سازمان برنامه و بودجه باید میزان کمبودها را پیش بینی نموده و راه حل جایگزین را مشخص نماید تا بودجه دچار بی انضباطی نشود.

پ-

کشور با ناترازی انرژی و گازی روبرو است و لازم است سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در این حوزه صورت پذیرد. جهان به سمت استفاده از انرژی گازی و پاک روی می‌آورد و ایران به عنوان دومین کشور گازی باید بتواند درآمدهای عظیمی از این حوزه به دست آورد. هر چقدر درآمدهای ارزی دولت بیشتر باشد به راحتی می‌تواند مشکلات یارانه‌ای را برطرف نماید. اختصاص ۱۰۰٪ فروش منابع نفتی به سازمان هدفمندی یارانه‌ها کشور را بیشتر دچار ناترازی انرژی می‌نماید.

توصیه‌های سیاستی:

- ❖ افزایش تولید، رکن اساسی در افزایش درآمد مالیاتی است و در این راستا نرخ مالیات باید به نحوی تعیین شود که کمترین صدمه را به رشد اقتصادی برساند.
- ❖ تورم، عامل موثر در افزایش هزینه و کسری بودجه دولت است. توصیه میشود با بسترسازی مناسب و برقراری ارتباطات بین المللی، انتظارات تورمی کنترل شود.
- ❖ در دوران رکود اقتصادی، پول پاشی منجر به ایجاد تورم می شود. در این راستا تسهیلات قرض الحسنه ۱۰۰ همتی در نظر گرفته شده، حذف گردد. همچنین، به دلیل اثرات تورمی ۱۱۷ همتی یارانه، از افزایش یارانه در بودجه سال ۱۴۰۳ خودداری شود.
- ❖ پرداخت مالیات به تورم، هزینه مضاعف بر تولید کننده اعمال نموده و منجر به ایجاد تورم رکودی میشود. توصیه می شود مالیات تورمی (۲۸۱ همت) که نرخ آن حدود ۶/۱ درصد مالیات پرداختی است، برای بخش شفاف اقتصادی معافیت داده شود
- ❖ هدف از تخصیص نرخ از ترجیحی، افزایش رفاه مردم است. با این حال تعیین نرخ برای ارز کمتر از نرخ بازار آزاد، منجر به کسری بودجه و چاپ پول شده و اثرات تورمی بر جای گذاشته و رفاه کل جامعه را کاهش میدهد. توصیه بر این است که نرخ ارز تک نرخی بوده و بر اساس میزان تورم و تولید کشور تعیین شود. نرخ ارز واقعی تک نرخی هیچ تاثیری بر چاپ پول کشور ندارد.
- ❖ به اهداف ذخیره ارزی در صندوق توسعه ملی توجه شده و پیشنهاد آن است که از آن محل مبلغ ۱۰ میلیارد دلار برای تکمیل کریدور شمال جنوب به دلیل داشتن مزیت صادراتی و عایدی ۳۰ میلیارد دلار از ترانزیت تخصیص داده شود.
- ❖ برای رفع مشکلات احتمالی فروش نفت و همچنین ارتقا صادرات غیر نفتی و انتقال ارز ، پیشنهاد می شود توجه جدی در جهت رفع تحریم ها و پیوستن به FATF انجام گیرد.